

به نام خدا

عنوان: نقش مسجد در توسعه‌ی محله‌ای
موضوع: کاب‌دی
پدیدآورنده: شهرداری تهران
منبع: Tehran.ir
سال انتشار (میلادی): 2008
نشر مجدد در سایت مرجع مدیریت شهری www.UrbanManagement.ir



در تمدن اسلامی، مساجد علاوه بر اینکه عامل اصلی تشکیل شهرها بوده‌اند، تعیین‌کننده‌ی الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به‌شمار می‌رفته‌اند.

در تمدن اسلامی، مساجد علاوه بر اینکه عامل اصلی تشکیل شهرها بوده‌اند، تعیین‌کننده‌ی الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به‌شمار می‌رفته‌اند. شهرهایی که به‌دست مسلمانان تغییر شکل یافتند یا احداث شدند، حیثه‌ی وسیعی از اقیانوس اطلس تا شبه قاره‌ی هند را در بر گرفته و علی‌رغم تنوع اقلیم و فرهنگ‌های بومی، با ساختار و الگوی یگانه ظهور نموده‌اند که مساجد در این فرآیند نقش کلیدی را برعهده داشته‌اند. (سلطان زاده، حسینی، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران ص ۱۱ و ۱۲).

از آن لحظه که شهرها و محلات و مساجد یگانه می‌شوند، دین و دنیا دیگر دو مقوله‌ی مجزا از یکدیگر نیستند. مساجد، شهرها و محلات، در راستای مشترک جهت دارند به نحوی که شهرها و محلات از آنجایی آغاز می‌گردند که مسجد پایان یافته‌است. (پاروپور، الکساندر، معماری اسلامی، صفحات ۴۵، ۴۴ و ۴۶) برخلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماری آگاه و عارف می‌باشد، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته‌است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعه‌ی اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان‌که صحن مساجد معمولاً دارای درها و دروازه‌هایی است که دو یا سه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می‌نماید. (عرفان، محمدهادی، معماری مساجد، ص ۵)

اصول معماری اسلامی و نقش مسجد در آن

اصول معماری اسلامی را که در رأس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد را می‌توان به پنج اصل (مارتن، هانری، سبک‌شناسی هنری معماری در سرزمین‌های اسلامی ص ۳۱) به‌شرح ذیل تقسیم نمود:

۱. مردم‌داری، به‌معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می‌توان آنرا در عناصر مختلف معماری اسلامی مشاهده نمود. به‌طور مثال، اگر سه دری را که همان اتاق خواب است در نظربگیریم، اندازه‌ی آن برحسب نیازهای مختلف زن، مرد و کودک آنان در نظر گرفته‌شده است.

۲. نیارش که مجموعه‌ی چیزهایی که بنا را نگاه می‌دارد، اطلاق می‌گردد.

نیارش شامل استاتیک بنا، به علم یا فن ساختمان و مصالح‌شناسی در آن است.

۳. خودبسندگی بدین معناست، که سازندگان بنا سعی می‌کنند تا مصالح مورد نیاز را از نزدیک‌ترین مکان‌ها و با ارزان‌ترین بناها بدست آورند.

۴. درون‌گرایی، در ساخت یک بنا و نحوه‌ی ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می‌گردد. بدین معما که بنا بگونه‌ای ساخته می‌شود که همه‌ی فضای درونی آن با هم ارتباط مستقیم پیدا می‌کنند. به‌دلیل موقعیت و وضعیت خاصی بسیاری از مناطق ایران یعنی خشکی، بادهای مختلف، شنهای روان و . . . بناهای درونگرا رایج شده بود. (پیرنیا، معماری اسلامی ایران، ص ۹۱).

در يك نگاه به معماری اسلامي، مي توان گفت كه اسلام در هنر، معماری و ادبيات خود؛ مجذوب و پرهيز و پروا از سنگين است و همين امر، بهتر از هر چيز ديگري معرف و ویژگی آن است. در اينجاست كه معماری مسلمان با پیروي از اصول معماری اسلامي و به ویژه معماری مساجد، در جستجوی زیبایی فکر و بنا و بیش از آن، احساس راحتی و سبكي در احداث خانه ها در ساختارهاي محله اي است. (آثار ایران، ج ۳، صفحات ۳۷-۳۶)

حایگاه مساجد در ساختار اکولوژیک شهرهاي اسلامي

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه ای از جهان كه باشد، مسجد از مفهوم خاصی برخوردار است. هر فرد حداقل طی پنج نوبت در طول شبانه روز از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه خدا ساخته و در صورت عدم حضور در مسجد جهت ادای فریضه نماز هم راستا با موقعیت جغرافیای مسجد كه در مسیر قبله تأسیس یافته است، فرار می گیرد. این فضای والا و متعالی، معرف نظامی از اصول، ارزش ها و معیارهای مقدس اما مشخص و دقیق است. (حاتم، غلامعلی، مسجد جلوه گاه فرهنگ و هنر اسلامي ص ۲۹)

ارزش های اصیل كه بر جامعه ای اسلامي حاکم اند، فراتر از زمان و مکان جغرافیایی بوده و امت واحده را در اذهان تداعی می نماید.

در صورت تقویت این مشترکات، همان بنیان مرصوص كه قرآن بر تاکید می نماید بوجود می آید. (سوره صف آیه ۴)

وحدت استواری كه بر معماری شهرها و محلات اسلامي اثر گذارده و مكاني امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم را پدید می آورد. در اینجاست كه نقش كثرت در عین وحدت و وحدت در عین كثرت مساجد بر واحدهای مسكونی محلات تاثیر گذارده و کیفیت زندگی سالم را ارتقاء می بخشد. اساس عمده ی شهرهای اسلامي، بر احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده ها و اهمیت خلوت گزینی شكل گرفته است. این طرز تلقی از زندگی كاملاً در ساخت اکولوژیک شهرهای اسلامي موثر افتاده است كه مرزهای پردوام محلات و خانه ها، بن بست بودن كوچه ها و محلات، انتخاب نوعی استدلال در واحدهای مسكونی و زندگی مشترك همه ی مردم محله، نمونه ی روشن آن است. چیزی كه اخیراً در باغ شهرهای اروپایی مشالی متداول گردیده است. (پاروپور، الكساندر، معماری اسلامي، ترجمه ی حشمت جزبی صفحات، ۲۰ تا ۲۴).

شهر اسلامي بیش از آنكه منزلگاهی برای قافله های عازم نواحی دوردست یا دژی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد، مومنان در برابر هجوم دشمنان باشد، مأمن شیوه ای از زندگی است كه در آن همگان در تصمیم گیری و اجرای امور به ویژه در سطح محله ای، مشاركت داشته و مساجد به عنوان میعادگاه چنین مشاركت و تجمعاتی از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد. (جلیط، هشام، پیدایش شهر اسلامي صفحات ۲۹ و ۴۰).

پیوند معماری مساجد با معماری شهری

در شهرهای اسلامي، معماری مساجد، معماری مرکزی شهرها و محلات است. هنگامیكه معماری كوفه به علی (ع) سپرده شد حضرت ابتدا مسجد كوفه را بنا ساختند. براساس سنت اسلامي پس از مسجد، مدرسه و سپس بازار احداث می گردد. (جلیط، هشام، پیدایش شهر اسلامي، ترجمه ی ابوالحسن سروق مقدم، ص ۱۳ و ۱۴)

در تمدن اسلامي، براساس سنت سعی شده است تا هنگامی كه تقسیم وظایف و گستردگی امور باعث پیدایش ساختمان های مجزایی شود، حداقل با فضا سازی مشابه معماری مساجد، فضایی معنوی مسجد به آن مراكز انتقال داده شود. در تمامی شهرهای سنتی چه در ایران و چه در کشورهای عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند شاهد آنیم كه در يك شهر و محله ای اسلامي با هویت اسلامي، بعد از مساجد كه نماد مرکزی هر شهر یا محله ای است، خانه ها با همان قوس ها و مقرنس های معماری مساجد بوجود آمده و همان فضای مساجد را تداعی می کنند. در بنای بسیار یاز مساجد، هنرهای گوناگونی با هم درآمیخته و زیربنای خاصی به معماری آنها داده است (میرمحمدی، حمیدرضا، تاثیر فرهنگ اسلامي بر پیدایش و دگرگونی شهرها ص ۲۵ و ۲۹).

معماری در توازن اجزای كوشیده، نقاشی و الوان كاشی ها و نقوش توجه کرده و خوش نویسی الواح و كتیبه ها را جلوه و جلا بخشیده است.

علاوه بر شعر، موعظه‌ها و موسیقی نیز برای آنکه از دیگر هنرها باز نماند، در صدای مؤذن بانگ قاری و واعظ مجال جلوه‌گری یافته‌است. حتی صنایع دستی نیز برای تکمیل و تزیین این مجموعه الهی به میدان آمده‌اند. از این‌رو اثر گذاری معماری مساجد بر معماری محلات و خانه‌های موجود در آن، از منظر زیبایی شناسه مساله‌ی قابل توجهی است؛ چرا که زیبایی محیز بر روان انسان تاثیر مطلوب گذارده، تجربه‌ی فضایی محله را تسهیل نموده و در تقویت روابط عاطفی متقابل موثر است.

وجود تنوع و یا تسهیل ارتباطات اجتماعی میان شخص و گروه در يك محله در زمره‌ی ارزش‌های زیبایی‌شناختی هستند. از این رو، یکی از اهداف کلان طراحی و برنامه‌ریزی شهری می‌بایست حفظ و کثرت زیبایی محیط شهری باشد. ایجاد فضای دلپذیر و آرامش بخش در شهر وابسته به عناصر گوناگونی است. (شکوبین، حسین، جغرافیای شهری، ص ۴۵ و ۴۹).

رنگ و نور یکی از مهم‌ترین عناصر الگوی معماری می‌باشند. طبیعت ساختاری مساجد در بسیاری از موارد، بهترین الگو برای ترکیب رنگ‌هاست. اما در شهرهای مدرن و امروزی، عناصر طبیعی حضور کمتری داشته و رنگ بناهای محلات پیوسته به خاکستری و سیاه نزدیک‌تر می‌گردد. (شکوبین، حسین، جغرافیای شهری ص ۴۶)

جایگاه مسجد در ساختار فضایی و کالبدی شهر و محله‌ای

در شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می‌آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازار و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار گرفته‌اند. در واقع مسجد همچون چشمه‌ای با صفا جویبارهای معنوی خود را به سوی محلات و اماکن جاری ساخته و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید. (بمات، نجم‌الدین، شهراسلامی، ترجمه‌ی محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی ص ۱۱).

فضاهای شهری، خانه‌ها و محلات از ارزش‌هایی تاثیر پذیرفته‌اند که در مسجد بر آن‌ها تاکید شده است. خانه‌ی شخصی، فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تامین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می‌آید. پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند. البته پنجره‌ها چنان مشبك تهیه گردیده‌اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله‌ای را نظاره‌گر باشند بدون این‌که خوشان دیده شوند.

کوچه ادامه خانه است و به‌عنوان دالان تلقی می‌گردد، تا آن که معبری برای داد و ستد، گردش و وقت‌گذرانی باشد. در شهرهای اسلامی کهن، هیچ نشانه‌ای از خانه در نخستین وهله، میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی‌نمود چا که پیوستگی و تداخل پیچیده‌ای میان مسکن فقرا و اغنیا وجود داشت. آنچه که محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر تفکیک می‌نمود، وجود مجموعه‌های ساده، متوالی و متحدالشکل بود. در صورتی‌که در نوگرایی جدید، منطقه‌بندی و تقسیم‌بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را ترسیم می‌نماید. در شهر اسلامی هر چه از اماکن مذهبی نظیر مساجد، فاصله گرفته می‌شود، دایره گسترده‌تر شده و از فشردگی آن کاسته می‌شود. (بمات، نجم‌الدین، شهر اسلامی، ترجمه‌ی محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، ص ۱۱۶).

در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارت‌گاه‌ها و تکایا، چنان در چشم‌اندازهای فرهنگی موثر واقع می‌شوند که در غالب آنها تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری و محله‌ای، نقش مسجد آن قدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعویض باز می‌دارد، به

پاره‌ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهد و در عین حال برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند. (شکوبین، حسین، جغرافیای شهری ج ۲، ص ۴۰۵)

شهر یا محله‌ای که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پی‌گیر تحقق معماری مذهبی بوده‌اند جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشد. در این صورت تمامی ساختار شهر یا محله، يك خانه را تشکیل می‌دهد. از این جهت برای نشان دادن جامعه شهری (بیت‌الاسلام) مطرح گردیده و در

حقیقت بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می‌یابد. (بمات، نجم‌الدین، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، ص ۸۸)

همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می‌یابد مرزبندی‌های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل برده و گروه‌های غنی در کنار اقشار کم‌درآمد، در نهایت صلح و صفا زندگی می‌کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت می‌نمایند؛ زیرا می‌کوشند تا در ساختن خانه، همسایه‌های خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نساخته و زمینه‌های نگاه توأم با نگاه را در ساخت‌وسازها فراهم نمایند. (بمات، نجم‌الدین، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، ص ۱۰۴)

نقش مساجد در توسعه فضایی و کالبد شهری و محله‌ای

در بررسی‌های به عمل آمده از قدیمی‌ترین مساجد ایران، این گونه به نظر می‌رسد که مرکزیت و محوریت مناطق مسکونی با مساجد بوده و در مکان‌یابی مساجد سعی گردیده که این اماکن جهت کلی شهر و ساختمان‌های مسکونی را مشخص نماید. (واجعلوا بیوتکم قبله - سوره یونس آیه ۸۷)

در بررسی بافت قدیمی اکثر شهرهای ایران جهت جغرافیایی تمامی ساختمان‌ها خصوصاً ساختمان‌های مسکونی هم‌جهت با مسجد و هم‌مسیر قبله بوده و عموماً مساجد دارای درب‌های مختلف در سه امتداد غیرقبله می‌باشند به صورتی که دسترسی به این مراکز در هر مسیری امکان‌پذیر باشد. (زم رشیدی، حسین، نقش مسجد در معماری ایران، ص ۱۹ و ۲۰)

از این رو مهم‌ترین نقش مساجد در توسعه فضایی و ساختاری محلات شهری در این است که چون مساجد اغلب به عنوان مراکز عمومی، فرهنگی و مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از کلیه امکانات فرهنگی اعم از سالن مطالعه، کتابخانه، سالن اجتماعات و صحن و رواق طراحی گردیده‌اند از این رو امکان انسجام هرگونه فعالیتی در این مراکز در جهت اشاعه فرهنگ دینی و رفاه حال ساکنین محلات شهری فراهم می‌باشد این امر خود به طراحی محیط سازمان‌دهی شده با کارکردهای متعدد در نظام محله‌ای منتهی می‌گردد.

نقش مساجد در تناسب توسعه فضایی و کالبدی با کارکردهای محله‌ای

قرار گرفتن عمده مساجد محلی در مسیرهای دسترسی و برخورداری این مراکز از خدمات جانبی نظیر پارکینگ اتومبیل و خیابان‌های عریض جهت فراهم آوردن امکان تخلیه ترافیک در معابر جانبی و برخورداری این مراکز از امکان سرویس‌دهی هم‌زمان به کلیه مراغه‌کنندگان، علاوه بر این که برای ساکنین محلات مشکلاتی را ایجاد نمی‌نماید بلکه چنین طراحی شهری از مساجد، به تناسب توسعه فضایی با کارکردهای محله‌ای و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات منتهی می‌گردد. (میرمحمدی، حمیدرضا، تأثیر فرهنگ اسلامی بر پیدایش و دگرگونی شهرها، ص ۱۵۴)

در سیمای شهرها و محلات جدید، اعم از ایران و دیگر کشورهای اسلامی، معماران و برنامه‌ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنت‌های دینی و بومی مساجد، بیگانه گشته‌اند و بیش از آن که مبلغ مفاخر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند جلوه‌های غربی و مادی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت شهرها و محلات مدنظر قرار داده‌اند که در ارمغان آن، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانی‌های خانوادگی و جلوگیری از روند آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات و توسعه فضایی و کالبدی شهری متناسب با کارکردهای محله‌ای می‌باشد.

آسیب‌شناسی نقش مساجد در ساختار فضایی و کالبدی محلات شهری

در حال حاضر از نظر جغرافیایی و فیزیکی، ساخت مساجد در کوچه و پس‌کوچه‌ها و مناطق کاملاً دورافتاده واقع شده و در مسیر زندگی عادی افراد ساکن در محلات قرار نمی‌گیرد. از نظر محتوایی هم مسجد محور بسیاری از فعالیت‌ها است. در گذشته مدارس علمی و حوزه‌های علمیه در کنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می‌شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد و در کنار مساجد بودند به نحوی که اگر به گذشته بازگشته و معماری اصیل برگرفته از آموزه‌های دینی خود را بررسی نماییم خواهیم دید که مساجد به واقع، محور اصلی معماری شهری و محله‌ای است و در حقیقت معماری ما معماری مسجد محور تلقی می‌شود. کلیدی‌ترین ساختمان‌ها پیرامون مساجد ساخته شده و محل ساخت مساجد در یکی از بهترین نقاط آبادی،

شهر و محلات تعیین می‌گردید. به طور کلی می‌توان گفت که در گذشته محوریت به تمام معنای معماری ما با مساجد بوده است و این در حالی است که در حال حاضر فهم این مطلب کمی دشوار شده و عادت کرده‌ایم که مساجد را مستقل و جدا از بافت شهری و بدون در نظر گرفتن تأثیرگذاری معماری آن بر بافت شهری و محله‌ای تعریف کنیم. (اصغریان جدي، احمد، مباني نظري مکان‌یابی مساجد در ادوار مختلف صفحات ۲۷۳ و ۲۸۹)

نتیجه‌گیری

با وجود ناحیه‌گرایی در شهرهای اسلامی و آسیب‌پذیری شهرها و محلات اسلامی و رشد و گسترش شهرک‌های جدید با محلات نامتناسب، نقش مساجد در بهبود و بهینه‌سازی توسعه شهری و محله‌ای در راستای ایجاد یک منطقه یا محله فعال و زنده شهری از لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جهت تأمین مطلوب نیازها و خواسته‌های شهروندان به ویژه حفظ هویت و احیای فضاها و ابنیه قدیمی و تاریخی ارزشمند از یک سو و ارتقای توان تولیدی شهر یا محله و استفاده بهینه و به هنگام از زمین و تولید اراضی شهری مناسب جهت توسعه شهری و محله‌ای سازمان‌یافته و اصولی با تعیین کاربری‌ها و عملکردهای مطلوب از سوی دیگر یا به عبارت کلی‌تر سازمان‌دهی ساختار فضایی - کالبدی محله‌ای و استفاده بهینه و به هنگام از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بالقوه محله‌ای و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید شهری از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است که بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس نماز مبنی بر محوری بودن نقش مساجد در توسعه فضایی و کالبدی شهری خود مبین آن است.

منابع و مأخذ

۱. بیرنیا، محمدکریم، فصل‌نامه اثر، شماره ۱۷، معماری اسلامی ایران، ۱۳۷۱
۲. شکویی، حسین، جغرافیایی شهری، تهران، کتاب‌فروشی شهری، تهران، ۱۳۵۴
۳. الیاده، میرچا، مقدس و نامقدس، ترجمه نصر... زنگویی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
۴. طباطبایی، سیدمحمدبن، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهرانی، کانون انتشارات مهدی، ۱۳۵۷
۵. بemat، نجم‌الدین، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹
۶. حلیط، هشام، پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان رضوی، ۱۳۷۲
۷. پاپارویو، الکساندر، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزئی، مرکز نشر فرهنگی، ۱۳۶۸
۸. عرفان، محمدهادی، معماری مسجد، فصلنامه فرهنگ یزد، سال اول، شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۸
۹. میرمحمدی، حمیدرضا، تأثیر فرهنگ اسلامی بر پیدایش و دگرگونی شهرها، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۷۵
۱۰. سلطان‌زاده، حسینی، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، ۱۳۶۲
۱۱. مارتن، هانری، سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۱۲. حاتم، غلام‌علی، مسجد جلوه‌گاه فرهنگ و هنر اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۳۳، ۱۳۷۶
۱۳. حکمت، علی‌اصغر، تاریخ جامع ادیان، چاپ سوم انتشارات پیروز، ۱۳۷۹
۱۴. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، ۱۳۸۰
۱۵. اصغریان جدي، احمد، مباني نظري مکان‌یابی مساجد در ادوار مختلف، مجله صفه، شماره ۲۶، سال هشتم

سؤالات

۱. وجود درب‌های متعدد برای مسجد در پیوند دادن فضای فرهنگی اجتماعی چه تأثیری دارد؟
۲. کارکردهای مثبت مساجد را ذکر نمایید. چه پیشنهادی برای بالا بردن مهارت‌های فردی و حقوق

شهروندي در مساجد داريد؟

۲. مساجد در ساختار اکولوژيك شهري (مدرن و سنتي) چه نقشي دارند؟

۴. نقش مسجد در توسعه و توانمندسازي محله چيست؟